



ریشه های خرافات در اسلام (4)

روح یا انرژی

آیا روح همان انرژی نیست که مذهب انرا بعلت عدم درک به خرافات کشانده است ؟

آخرین مطلبی که در باب نشر خرافات در اسلام از آن یاد خواهیم کرد موضوع روح است. محمد مدعی است که خدا وقتی آدم را خلق کرد از روح خود دراو دمید، پس پدیده روح در اسلام به شکل اعتقاد افلاطونی مطرح و حتی بعضی از دین باوران مدعی اثبات علمی وجود روح هم می شوند و با همان متد قدیمی می گویند که فلان دانشمند مادی که اعتقاد به روح و بازگشت ارواح به عالم مادی را غیر ممکن می دانست پس از تحقیق بسیار!!!! سرانجام خویشان نیز به این علم!!!! اعتقاد پیدا کرد.

متاسفانه اینجا فقط پای مسلمین در میان نیست که سعی می کنند به روح ماهیت وجودی بدهند، بسیاری از دین باوران و کلاشان تلاش می کنند تا دکان احضار ارواح بگشایند و روح مادر بزرگ حضرت آدم را احضار کنند!!!! شاید بسیاری از خوانندگان این متن به من اعتراض کنند و مرا به جلسه احضار ارواح دعوت خواهند کرد ولی باید بگویم که:

ابقا جهل در بشر همیشه بواسطه اعتقاد به موهوماتی است که خود خالق آن بوده است. در واقع ترس بشر از تغییرات هولناک طبیعت او را وادار کرده که همچون کودکی در خلوتگاه خود سوار بر اسب شاخدار شده و در ناکجا آباد دنیا های خیالی خود با غول يك چشم و اژده های آتشین دست و پنجه نرم کند. همانطور که تو به روح و جن اعتقاد داری بسیاری از مردم دنیا به اژده ها وغولهای چراغ جادو وغیره معتقدند و همه این خرافات پایه اساس مشابهی دارند، ترس بشر از ندانستن ها !

انوموبیلی را در نظر بگیرید که بنزین ندارد، بنابر این یقینا استارت نخواهد خورد و حرکت نخواهد کرد به همین علت می توان فرض کرد که روح ندارد ! اما وقتی قدری بنزین در آن می ریزید انومبیل استارت می خورد و حرکت می کند و می توان فرض کرد که تحت این شرایط روح دارد !

در مورد انسان چطور؟ تا زمانیکه سلولهای بدن می توانند از مواد ورودی از طریق دهان استفاده ببرند حرکت هم دارند اگر سلولها نتوانند از مواد بهره ببرند و انرا به انرژی تبدیل کنند و یا اگر به هرعلتی ورود مواد به محیط مصرف کننده قطع شود آیا باز هم حرکت خواهد داشت؟ یقینا اعضای بدن با قطع مواد قادر به نمایش حرکت نخواهند بود یعنی انسان مرده است.

حالا بگویید نقش روح در بدن انسان قبل از مردن چیست؟ آیا کار روح نمایش حیات و ایجاد حرکت بوده و یا این تحرکات را انرژی آزاد شده از مواد به انسان می داده؟ مطمئنا نمایش حیات و حرکت مربوط به انرژی آزاد شده از ماده است پس نقش روح در زمان حیات انسان چیست؟ به روح در زمان فوت نقش زیادی داده شده و انرا از بدن جدا می کنند؟ (**تئوری ثنویت افلاطون**) با توجه به فلسفه خلقت که از قران به یاد دارید و پاداش هایی نظیر انگور و شراب و نهر آب و زنان لخت و بد کاره به چه کار روح میانند؟

مگر روح هم ماده است که نیاز مادی داشته باشد؟ ضمنا در قران نگفته که باز گشت شما به بهشت یا جهنم بصورت روح است یا جسم! بلکه گفته که ما شما را می میرانیم بعد به همان صورت زنده میکنیم فقط در این صورت است که اون وعده های مادی معنا پیدا می کند ولی باید تعاریف دنیای ماورا را دین باوران عوض کنند و بگویند فرقی بین دنیای ماده و ماورا نیست و هر چه هست همین دنیای مادیست.

بینیم افلاطون در مورد روح چه گفته است:

"روح جوهری است قدیم که قبل از بدن موجود بوده (ثنویت) و وقتی بدنی آماده می شود روح تنزل کرده و به بدن تعلق می گیرد!

" دقیقاً چیزی که محمد از زبان خدا گفته "

" ما ادم را خلق کردیم بعد از روح خود در ان دمیدیم. "

اما شاگردش ارسطو انرا نفی می کند و می گوید:

" رابطه روح و بدن از نوع علاقه صورت و ماده است که خود مبدع آنست "

در واقع روح بر طبق این فرضیه قدیم نیست و خود حادث است (وحدانیت).
براین پایه باید پذیرفت به محض خلق آدم روح دران حادث شده و نیازی به دمیدن روح در ان نبوده است..

به زبان ساده تر بگویم با آمدن بدن بلافاصله روح (همان انرژی) هم پیدا یش می شود بنا براین ثنویت در کار نیست که با حذف بدن روح بتواند باقی بماند.

بعد ها دوباره دکارت بر میگردد سر خط اول و اینها را جدا میکند چون دکارت معتقد است نفس و بدن دو چیزند.

تحقیقات بشر در موهومی که خود ساخته ادامه میابد تا اینکه سر و کله اولین مسلمانهای طرازاول ایرانی پیدا میشه و می گویند روح محصول قانون حرکت جوهری

است و حرکت جوهری خروج تدریجی شیء از قوه به فعل است و با لاخره یکسری جرح و تعدیلاتی هم در عقاید ملا صدرا می شود و می گویند :

روح خاصیت و اثر ماده نیست، کمالی است جوهری که از برای ماده پیدا می شود. بنا براین رابطه روح و بدن مثل رابطه مرغ و آشیانه نیست بلکه يك رابطه سنخی است یعنی رابطه يك بعد است با سایر ابعاد و خلاصه اینرا همه میپذیرند. به زبان ساده ماده این استعداد را دارد که در دامن خود موجودی به پرورد که با ماوراء هم بعد شود و **ناخواسته نقش خدا را در دمش روح حذف می کند**.

از آنجاییکه در ترمینولوژی مسلمین نهایتاً فرقی بین عالم ماده و ماورا نیست پس با تاکید دوباره می گویم روح همان انرژی آزاد شده از سوخت و ساز ماده است که به محض فعال شدن سیستم گوارشی خود نمایی می کند. ولی متاسفانه هنوز فلاسفه سعی میکنند به آن شخصیت مستقلی را بدهند.

نوشیروان

انجمن پادشاهی ایران - کانادا

www.anjomanepadeshahi.org

شنبه، 11/12/2004